

پژوهشهای حقوقی

فصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۳۸

هزار و سیصد و نود و هشت - تابستان

۷	• مسئولیت کیفری و کیل دادگستری دکتر بیژن حاجی عزیزی - سیده مریم اعتماد
۲۷	• تعارض میان منفعت عمومی جامعه و منفعت فردی دولت‌ها دکتر حوریه حسینی اکبرنژاد
۴۵	• دسترسی به غذای کافی، به‌عنوان یک حق بشری در نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت دکتر نجمه رزمخواه
۶۹	• نقدی بر ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی در باب تکرار جرم آزاده قربانی - آرزو قربانی
۷۹	• پلیس مسئله‌محور و ترس از جرم دکتر سید مهدی سیدزاده‌ثانی - سعید کرمانی
۱۰۷	• تعامل تمامیت ارضی با حقوق و آزادی‌های مشروع از منظر ملی و بین‌المللی دکتر هدیه‌سادات میرترابی - دکتر سبحان طیبی
۱۳۷	• روند کاهش سرمایه شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلیس حمید شالی
۱۵۹	• تحلیل حقوقی ترابردپذیری شماره تلفن همراه در ایران؛ در پرتو مطالعات تطبیقی سید هاشم مداح‌حسینی - رجب فلاحی - سارا مرتضی‌قلی
۱۷۷	• آثار شرط سقوط یا کاهش مسئولیت در حقوق ایران با نگاهی به نظام حقوقی انگلستان دکتر حجت مبین - امین امیرحسینی
۱۹۹	• ساز کارهای صیانت از حق استفاده از زبان مادری در مراجع بین‌المللی و ملی دکتر سید قاسم زمانی - فرهاد عابدینی سعدآباد
۲۳۱	• اصل مصونیت در برابر خوداتهامی در محاکم کیفری بین‌المللی علیرضا قرقانی





تعارض میان منفعت عمومی جامعه و منفعت فردی دولت‌ها: گذار از اصل مصونیت در پرتو تحول حقوق بین‌الملل کیفری

دکتر حوریه حسینی اکبرنژاد*

چکیده:

بنابر رویکرد عامه، منافع جامعه هر جایی که مطابق حقوق بین‌الملل مورد حمایت قرار گرفته و برای نظام، حیاتی تلقی شده‌اند باید بر منافع فردی دولت‌ها برتری داده شوند. مبنای این برتری، آن است که ارزش‌های ذی‌ربط برای همه مفید هستند. البته باید این توافق در مورد تضمین منافع جامعه وجود داشته باشد حتی در جایی که به قیمت فدا شدن منافع و نادیده گرفتن قلمروی فردی دولت‌ها تمام شود. به طور نمونه، در زمینه مبارزه علیه بی‌کیفر ماندن جرایم بین‌المللی با شناسایی صلاحیت جهانی و تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، محدودیت‌هایی بر حاکمیت دولت‌ها تحمیل شده است که استثنائاتی بر مصونیت دولت‌ها قلمداد می‌گردد. حقوق بین‌الملل معاصر در صدد برقراری نوعی توازن یا تعادل میان منافع عمومی جامعه و منافع فردی دولت‌ها می‌باشد. مدت‌های مدید در عرصه حقوق بین‌الملل کلاسیک، اصل مصونیت قضایی مأموران عالی‌رتبه دولتی، مانع از پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری آنان در قبال قربانیان و تحقق اجرای عدالت در مورد آنان می‌شد، لیکن امروزه در پرتو توسعه و تحول حقوق بین‌الملل از جمله نهادینه شدن حقوق بین‌الملل بشر - که جنبه حمایت‌گرایانه دارد - و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل کیفری معاصر، سخن از لزوم پایان دادن به بی‌کیفری ناقضان حقوق بشر و تحقق عدالت ترمیمی قربانیان نقض‌های شدید حقوق بشر، در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به مرحله عمل رسیده، اگرچه هنوز هم تا تحقق کامل عدالت، فاصله زیادی در پیش است.

کلیدواژه‌ها:

حقوق بین‌الملل کیفری، دولت، مصونیت، منفعت عمومی.

مقدمه

در دهم دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر را به تصویب رسانید؛ درحالی که روز قبل از آن، یعنی در نهم دسامبر ۱۹۴۸، به موجب قطعنامه‌ای، کمیسیون حقوق بشر، سازمان ملل متحد را موظف به تهیه پیش‌نویس اساسنامه‌ای برای تشکیل یک دادگاه کیفری بین‌المللی نموده بود. پنجاه سال پس از این تاریخ، در هفدهم ژوئیه ۱۹۹۸، در شهر رم، ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور شرکت‌کننده در کنفرانس دیپلماتیک رم، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را امضاء کردند، درحالی که ۳۳ سازمان بین‌المللی و ۲۳۶ سازمان غیردولتی نیز در کنفرانس شرکت داشتند. گستردگی تعداد شرکت‌کنندگان نشانگر تمایل جامعه بین‌المللی به اجرای عدالت درمورد مرتکبان جنایات غیرانسانی بود که تا آن تاریخ توانسته بود، تحت لوای قدرت و مصونیت قضایی دولت‌ها و تعارضات موجود بین آنها از دست عدالت بگریزند. شاید بتوان گفت جنایات ارتكابی در چند دهه اخیر، به‌ویژه در یوگسلاوی سابق و رواندا، موجب تسریع کار پنجاه‌ساله کمیسیون حقوق بین‌الملل و نیز باعث آن گردید که دولت‌ها آمادگی بیشتری برای اعطای بخشی از حق حاکمیت خود به یک محکمه کیفری بین‌المللی پیدا کنند، به این امید که این روند باعث به کیفر رساندن جنایتکاران بین‌المللی گشته و از ارتکاب جنایات دیگر در آینده توسط جنایتکاران بالقوه که لاجرم موجب به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی خواهد شد، جلوگیری نماید. همچنین اجرای عدالت درمورد ترمیم یا جبران خسارات قربانیان جنایات بین‌المللی نیز از جمله آملی بوده است که از اوایل قرن بیستم ذهن بسیاری از حقوق‌دانان و فعالان عرصه بین‌المللی را به خود مشغول ساخته و به نظر می‌رسد با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی در سطح نظام بین‌المللی جامه عمل پوشیده است، اگرچه تا قبل از آن نیز در اسنادی از جمله پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و نیز کنوانسیون منع شکنجه به‌طور خاص‌تر مورد اشاره قرار گرفته بود.

تعهد دولت‌ها برای ترمیم خسارات وارد بر قربانیان نقض‌های جدی حقوق بشردوستانه و حقوق بشر، در برخی از اسناد بین‌المللی الزام‌آور مقرر گردیده است که با ماده ۳ کنوانسیون چهارم لاهه (۱۹۰۷) آغاز گردیده و با ماده ۱۴ کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) ادامه یافته

است. البته ماده ۷۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (اساسنامه رم)، فقط علیه افراد مرتکب، قابل‌اعمال است و دیوان، به‌طور موردی برای تضمین اجرای تصمیماتش درمورد جبران خسارات، می‌تواند تقاضای همکاری دولت‌ها را داشته باشد. به‌این ترتیب، ماده ۷۵، ناظر بر مسئولیت دولت نیست و هیچ ضمانت‌اجرایی علیه دولت تجویز نمی‌کند.^۱ درواقع در نظام دادرسی دیوان، عدالت فقط به‌معنای محاکمه عادلانه متهم تلقی نشده، بلکه عدالت برای قربانیان را نیز دربرمی‌گیرد.^۲

تحولات معاصر حقوق بین‌الملل، حتی درصدد درنوردیدن مرز میان اصل مصونیت مقامات عالی‌رتبه دولتی و اصل مصونیت دولت‌ها در قبال نقض قواعد حقوق بشری برآمده است. اگرچه شاید هنوز سخن به‌میان آوردن از نقض اصل مصونیت دولت‌ها در عرصه حقوق بین‌الملل، اندکی زود می‌نماید و بیشتر به‌عنوان ایده یا نظریه مطرح می‌شود، لیکن نباید از نظر دور داشت که تحول تدریجی حقوق بین‌الملل درعمل، مستلزم آماده شدن بستر مناسب به لحاظ نظری و تئوری خواهد بود. به‌این ترتیب تاکنون حقوق بین‌الملل کیفری، درزمینه پایان دادن به مصونیت قضایی مأموران دولت‌ها، تحولات بسیاری را به ارمغان آورده است، لیکن درمورد پایان دادن به مصونیت قضایی دولت‌ها، همچنان در عرصه حقوق بین‌الملل، چالش‌ها و اختلاف نظرات زیادی پابرجا مانده است.

۱- رسالت حقوق بین‌المللی کیفری در حمایت از منافع جامعه بین‌المللی

اساساً یکی از راه‌های مقابله با بزهکاری در سطح بین‌المللی، تعقیب و رسیدگی به جرایمی است که به جهتی از جهات با نظم عمومی بین‌المللی مرتبط گردیده است. به همین دلیل در نگرش جدید، حتی ممکن است جرم هیچ ارتباطی به مفهوم کلاسیک با کشور مدعی صلاحیت نداشته باشد، بلکه این کشور دلیل مداخله و پافشاری خود را نسبت به تعقیب این جرایم، به انگیزه عضویت در جامعه بین‌الملل و ماهیت الزام‌آور حقوق بشر اعلام نماید؛ چراکه

1. C. Muttukumaru, "Representative of the UK at the Rome Conference's Working Group on Procedural Matters," (Speech at the British Institute of International and Comparative Law, Seminar on the ICC, London, October 31, 1998).

۲. البته باید اذعان نمود که روند حقوق بین‌الملل کیفری موجود و تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی درخصوص پایان دادن به مصونیت قضایی مأموران دولتی که مرتکب جنایات بین‌المللی می‌شوند، مرهون فعالیت تعداد زیادی سازمان غیردولتی (NGO) می‌باشد که در جریان مذاکرات کمیته مقدماتی و کنفرانس رم حاضر بودند. نک:

Otto Triffter (ed), *Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court* (London: C.H. Beck Hart, 2008), 1401.

در اجرای عدالت کیفری در این نظام واحد بین‌المللی، بر حمایت بیشتر از منافع مشترک جامعه بین‌المللی تأکید می‌گردد. به عبارت دیگر، هرچند کشورها به‌طور کلی در زمینه مبارزه با جرایم همچنان دارای صلاحیت سرزمینی (به اعتبار محل وقوع جرم) و صلاحیت‌های فراسرزمینی اعم از صلاحیت شخصی (به اعتبار تابعیت مرتکب یا مجنی‌علیه) و صلاحیت حمایتی (به اعتبار منافع اساسی کشور) هستند؛ اما واقعیت این است که افزایش روزافزون جرایم بین‌المللی در جهان، خصوصاً در دو دهه اخیر و ضرورت هماهنگی و همدلی بیشتر در این کشورها جهت مبارزه با آن، توسعه صلاحیت کیفری جهانی را به یکی از محورهای اساسی مطالعات و تحقیقات سازمان‌های حقوق بشری و اندیشمندان کیفری تبدیل نموده است. در فرازی از دیپاچه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در این زمینه آمده است: «باتوجه به اینکه فجیع‌ترین جنایاتی که موجب اضطراب جامعه بین‌المللی شود، نباید بدون مجازات بماند و اینکه لازم است تعقیب مؤثر مرتکبان آن جنایات با اتخاذ تدابیری در سطح ملی و بین‌المللی تضمین گردد ... وظیفه هر یک از دولت‌هاست که صلاحیت کیفری خود را بر کسانی که مسئول ارتکاب جنایات بین‌المللی هستند، اعمال نمایند.»^۳

مصونیت از تعقیب و مجازات به مفهوم سنتی آن، برای حمایت از مقامات دولتی و دیپلمات‌ها به خاطر ارتکاب جرایم معمولی منظور گردیده است؛ اما از آنجاکه امروزه جرایم شدید بین‌المللی نیز معمولاً توسط اشخاصی ارتکاب می‌یابند که به نمایندگی از یک دولت یا با رضایت یا سکوت او عمل می‌نمایند، این مسئله مطرح می‌شود که آیا متهم به این جرایم به دلیل موقعیت و مقام رسمی از تعقیب کیفری مصون است یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا مصونیت را می‌توان یکی دیگر از موانع اصلی تعقیب جرایم بین‌المللی به حساب آورد و آیا مرتکبین جرایم حقوق بین‌الملل، خود مشمول مصونیت‌های رسمی شناخته‌شده در حقوق بین‌الملل واقع می‌شوند؟

به نظر می‌رسد نکته اساسی و قاعده اصلی حقوق بین‌الملل این است که موقعیت رسمی افراد، مانع تعقیب و مسئولیت کیفری آنان در مورد جرایمی که در قلمرو حقوق بین‌الملل ارتکاب یافته، نمی‌گردد. این نکته به‌طور مشخص در اسناد بین‌المللی متعددی مورد تصریح قرار گرفته است. ماده ۷ منشور نورمبرگ مقرر می‌دارد: «عنوان رسمی متهمان اعم از رئیس

۳. فضل‌الله فروغی، «موانع و محدودیت‌های تعقیب داخلی جرایم بین‌المللی»، مجله مطالعات حقوقی ۲(۲)

دولت یا سایر مسئولان دولتی، آنان را از مسئولیتشان معاف نمی‌کند و نمی‌تواند یک عامل تخفیف مجازات باشد.» ماده ۶ منشور توکیو نیز مقرر می‌داشت: «موقعیت رسمی متهم کافی نیست تا وی را از مسئولیت به خاطر جرم ارتكابی معاف کند.» همچنین ماده ۴ کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸، اصل سوم از اصول شناخته‌شده بین‌المللی ناشی از منشور و رأی نورمبرگ ۱۹۵۰، ماده ۳ پیش‌نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری ۱۹۵۴ (و ماده ۷ پیش‌نویس)، ماده ۳ کنوانسیون تبعیض نژادی ۱۹۷۳، بند ۲ ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و بند ۲ ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز مقرر می‌دارد: «... سمت رسمی رئیس دولت، عضو دولت یا مجلس، نماینده انتخابی یا نماینده یک دولت، هیچ‌یک، شخص را از مسئولیت کیفری که به‌موجب این اساسنامه برعهده دارد، معاف نخواهد کرد. همچنان که وجود سمت‌های مذکور به‌تنهایی علتی برای تخفیف مجازات نخواهد بود.»

۲- اصل صلاحیت جهانی: حل تعارض میان «مصونیت» مقامات رسمی دولت و التزام دولت‌ها در قبال تعهدات حقوق بشری

حقوق بین‌الملل، متصدیان مقامات رسمی دولت را در دادگاه‌های ملی دولت‌های دیگر، برخوردار از مصونیت می‌داند. در این باره دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ (کنگو - بلژیک)^۴ بر این اصل کلی بین‌المللی تکیه می‌کند که مقامات عالی‌رتبه دولتی مانند رئیس کشور، نخست‌وزیر یا وزیر امور خارجه همانند مأموران دیپلماتیک و کنسولی در دیگر کشورها از مصونیت کیفری و مدنی برخوردارند و در حقوق بین‌الملل عرفی استثنائاتی بر اصل مصونیت این مقامات وارد نشده است حتی اگر مظنون به ارتکاب جنایت جنگی یا جنایت

۴. در ۱۱ آوریل ۲۰۰۰ دادگاه بلژیک بر مبنای اصل صلاحیت جهانی، با صدور قرار بازداشت برای وزیر امور خارجه وقت کنگو (Yerodia Nombas) خواستار توقیف و تحویل وی به بلژیک شد. اتهام او ارتکاب و مشارکت در ارتکاب نقض عمده کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن و جنایت ضدبشریت بود. این اقدام بی‌سابقه بلژیک واکنش کنگو را برانگیخت و بر همین اساس دولت کنگو در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۰ دادخواستی را به طرفیت بلژیک تقدیم دیوان بین‌المللی دادگستری کرد و از دیوان خواست تا بلژیک را محکوم به ابطال قرار بازداشت مزبور کند. سرانجام در ۱۴ فوریه ۲۰۰۲، محکومیت بلژیک با اکثریت سیزده رأی مقابل سه رأی مخالف به تأیید دیوان رسید.

ضدبشیریت باشند.^۵

البته این مصونیت‌ها در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و از جمله در دیوان کیفری بین‌المللی قابل طرح نیستند. همان‌طور که در ماده (۲) ۲۷ اساسنامه رم به آن تصریح شده است.^۶ حال در رابطه با عملکرد دادگاه‌های ملی با استناد به تکمیلی بودن دیوان و یا بر اساس اصل صلاحیت جهانی این پرسش مطرح است که آیا مصونیت را می‌توان یکی از موانع اصلی اجرای صلاحیت جهانی به حساب آورد؟

در مورد مصونیت مقامات رسمی دولت‌ها، دو مسئله مطرح می‌باشد. از یک سو باید افراد متهم به ارتکاب جدی‌ترین جنایات بین‌المللی به محاکمه کشیده شوند و از سوی دیگر باید امنیت سران دولت‌ها و مقامات رسمی به‌نحوی تأمین شود که از عهده ایفای وظایف خود برآیند. در واقع باید میان رسیدگی دیوان و دادگاه‌های ملی تفاوت قائل شد. به نظر می‌رسد خطر یا احتمال سوءاستفاده از اختیار دولت‌ها به اندازه‌ای جدی است که به راحتی نمی‌توان مصونیت مقامات رسمی دولت‌ها را، حتی در مورد جنایات بین‌المللی نادیده گرفت.^۷

بنابراین علی‌رغم نگرانی‌هایی که از سوی برخی درباره رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص خدشه‌ناپذیری مصونیت مقامات رسمی ابراز گردیده است مبنی بر اینکه دیوان در

۵. نظرات فردی و از آن مهم‌تر نظرات مخالف چند قاضی دیوان این واقیعت را می‌نمایند که نظر دیوان از بسیاری جهات مقبولیت کامل را ندارد. قاضی Van den Wyngaert در نظر مخالف خود تصریح نموده که دکتترین حقوقی در این زمینه با دیوان هم‌عقیده نیست و با انتقاد به دیوان در نادیده گرفتن گرایش و روند عمومی کاستن از مصونیت مقامات عالی‌رتبه دولتی، به خصوص در صورت اتهام به ارتکاب جنایت جنگی، استدلال دیوان را از اساس نادرست می‌داند. وی تأکید می‌کند که مصونیت مانع از احقاق حق رنج‌دیدگانی است که خواهان پیگرد کیفری متهم در خارج از کشور خود هستند و مغایر با اصل حقوق بشر است. او می‌گوید که دیوان در این رأی عملاً جانب دولت‌ها و حسن مناسبات و روابط آنها را گرفته است و این به بهای نادیده گرفتن منافع جامعه بین‌المللی حاصل شده، منافعی که با تعقیب جنایات مهمی چون جنایت جنگی تأمین می‌شود. قاضی Oda نیز معتقد است که دیوان نمی‌بایست به صورتی کلی اعلام می‌کرد وزیر خارجه از مصونیت مطلق برخوردار است. علاوه بر این، از نظرات علمای حقوق و رویه قضایی بین‌المللی همچنین بر نمی‌آید که نتیجه‌گیری دیوان به تمامی قابل تأیید باشد. نک: امیرحسین رنجبریان، «قانون ۱۹۹۹-۱۹۹۳ بلژیک، رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی دادگستری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۵۸ (۱۳۸۱)، ۱۵۴-۱۴۸. همچنین نک:

Antonio Cassese, "Immunity for Core Crimes? The ICJ's Judgment in the Congo v. Belgium Case," *European Journal of International Law* 13 (2002): 877-893.

۶ ماده (۲) ۱۷ اساسنامه: «مصونیت‌ها یا قواعد شکلی ویژه‌ای که به موجب حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل در مورد مقامات رسمی اجرا می‌شوند، موجب نمی‌گردند که دیوان نتواند صلاحیتش را نسبت به آن اشخاص اعمال نماید.»

7. Jann Kleffner, "The Impact of Complementarity on National and International Criminal Law," *JICJ* 1 (2003): 105-106.

این قضیه توجه شایسته‌ای به ماهیت اعمال منتسب به متهم نکرده و به جای ترجیح دادن ضرورت‌های عدالت بین‌المللی (یعنی تعقیب و مجازات مرتکبین جرایم سنگین حقوق بشری به هدف پاسداری از ارزش‌های نوین جامعه بین‌المللی) از بایسته‌های حاکمیت دولت (یعنی دغدغه سنتی دولت‌های مستقل مبنی بر هدایت پایدار و بدون مانع روابط بین‌المللی) جانب‌داری کرده است، نمی‌توان به‌طور مطلق پذیرفت که این رأی شدیداً اصل صلاحیت جهانی و سیر تحولات آن را تحت تأثیر قرار خواهد داد زیرا نگاه دیوان به مسئله مصونیت مقامات رسمی دولت‌ها و اعمال صلاحیت تکمیلی دیوان قطعاً در آینده تغییراتی را در جایگاه مصونیت به‌وجود خواهد آورد.^۸

بنابراین، به‌نظر می‌رسد که تصویب اساسنامه رم و تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی بر عملکرد دولت‌ها در اعمال اصل صلاحیت جهانی برای تعقیب نقض‌های شدید حقوق بشر تأثیرات مهمی خواهد داشت و پیش‌بینی می‌شود که در عمل بخشی از موانع موجود را که دولت‌ها را در رسیدگی به جنایات بین‌المللی با مشکل مواجه می‌کند از جمله فقدان قوانین لازم، امکان اعطای عفو به مرتکبین جنایات و یا شناسایی مصونیت برای آنها را تا حدودی تعدیل نماید که در جهت تحقق هدف مقابله با پدیده بی‌کیفری گام مؤثری قلمداد می‌شود.

غایت اصلی صلاحیت جهانی، صیانت از ارزش‌های اساسی جامعه بین‌المللی و حیات انسان‌ها، کرامت انسانی و تمامیت جسمانی آنان است. سازکار صلاحیت جهانی به‌موازات محاکم کیفری بین‌المللی ایده‌آلی در جهت ارتقای عدالت کیفری است.^۹

ارزش‌ها و ملاحظات انسانی از اصول اساسی و ملحوظ در حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که اصولی غیرقابل‌تخطی و تغییر می‌باشد و دارای جنبه‌های عرفی نیز می‌باشد. تضمین رعایت این اصول به دولت‌ها و به‌طور کلی به جامعه بین‌المللی واگذار شده است؛ اما در پاره‌ای مواقع مبارزه با نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به‌خصوص از طریق اعمال صلاحیت جهانی با دیگر قواعد و اصول حقوقی از جمله قاعده

۸. برای مثال، اگر پرونده‌ای در رابطه با اتباع یکی از دولت‌های غیرعضو به دلایلی (از جمله ارتکاب جرم در سرزمین یکی از دولت‌های عضو یا غیره) مطرح شود و در مقابل با استناد به حقوق بین‌الملل عرفی، مصونیت مرتکب ادعا شود آنگاه دیوان با تصمیم‌گیری خود شاید تا حدودی موازین حقوق بین‌الملل عرفی را درباره این موضوع تبیین نماید. نک:

Antonio Cassese, "When May Senior State Officials be tried for International Crimes? Some Comments on the Congo v. Belgium," *European Journal of International Law* 13 (2002): 874.

۹. کابک خبیری و صفی‌ناز جدلی، «صلاحیت جهانی و کارایی مبارزه و پیگیری جرایم بین‌المللی»، راهبرد ۵۵

مصونیت قضایی، در تناقض قرار می‌گیرد و در نتیجه اجرای آن را با مشکل مواجه می‌سازد.^{۱۰} از دیدگاه برخی از حقوق دانان قاعده مصونیت، از قواعد عرفی و درعین حال عادی حقوق بین‌الملل است. به عبارت دیگر این قاعده در دسته‌بندی قواعد آمره بین‌المللی قرار نمی‌گیرد، از مصونیت می‌توان تحت شرایطی عدول کرد و آن را برای شخص مورد نظر مردود دانست؛ اما الزام به رعایت حقوق و آزادی‌های اساسی بشر خصوصاً حقوق بنیادین بشر، در زمره قواعد آمره قرار می‌گیرد که استنکاف از آنها تحت هیچ شرایطی جایز نیست.^{۱۱}

باید میان تعهدات «عام‌الشمول» و یا «تعهد در قبال جامعه بین‌المللی در کل» و تعهدات دولت‌ها در قبال یکدیگر، تفکیک اساسی قائل شد. تعهدات دسته اول، به جهت اهمیتی که دارند به کلیه کشورها مرتبط می‌شوند. نظر به اهمیت این حقوق، کلیه دولت‌ها می‌توانند برای حفظ آنها دارای منفعت حقوقی باشند، چنین تعهداتی را عام‌الشمول می‌نامند. به طور نمونه این تعهدات در حقوق بین‌الملل معاصر، شامل غیرقانونی دانستن تجاوز، کشتار جمعی و نیز اصول و قواعد مربوط به حقوق بنیادین بشر از جمله منع برده‌داری و منع تبعیض نژادی می‌شوند. علاوه بر تعهدات عام‌الشمول، برخی از تعهدات دولت‌ها به دلیل اهمیتی که دارد واجد خصیصه «آمره» و غیرقابل تخلف می‌باشند و در سلسله مراتب هنجاری، در ردیفی برتر از سایر قواعد اعم از قواعد قراردادی و عرفی قرار می‌گیرند.^{۱۲}

قواعد و نورم‌های جهانی همچون صلح و امنیت بین‌المللی (نظم عمومی بین‌المللی)، احترام به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه که موضوع آنها (و به عبارت بهتر ذی‌نفع آنها) شخص انسان و جامعه بین‌المللی در کل است، متضمن منافع کل جامعه بین‌المللی است. هیچ‌گونه تخطی از آن جایز نیست و بنابراین صرف‌نظر از قبول و یا عدم قبول دولت خاصی، این قواعد جهانی، کلیه دولت‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهند. با این توصیف، نقض این قواعد، جرم بین‌المللی محسوب شده و تمام کشورهای عضو جامعه بین‌المللی می‌توانند و یا حتی مکلفند مرتکبین این جرایم را مورد تعقیب و مجازات قرار دهند. پس مبنای اعمال این نوع صلاحیت، تعهدی است در قبال کل جامعه بین‌المللی یا لاقلاً در برابر کشورهای عضو

۱۰. همان، ۱۰۳.

۱۱. همان، ۱۰۶.

۱۲. فضل‌الله فروغی، «منشأ و ماهیت حقوقی اصل صلاحیت جهانی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز ۳

معاهده بین‌المللی موجد این صلاحیت. لذا انجام این تعهد در شرایط خاص خود، نقض اصل عدم‌مداخله تلقی نخواهد شد.^{۱۳}

۳- تعارض میان اصل مصونیت دولت‌ها و کیفری کردن نقض‌های شدید حقوق بشر در حقوق بین‌الملل معاصر

در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، حقوق بین‌الملل تحولات جدیدی را تجربه کرد و به تدریج این زرمه به گوش می‌رسد که حقوق بین‌الملل باید درصدد صیانت هرچه بیشتر از بشریت در برابر فزون‌طلبی‌های حاکمیت باشد. درست به همین دلیل گفتمان کیفری کردن نقض‌های فاحش حقوق بشر همگانی شد. نظر قضات دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، به‌خوبی تحولات دهه نود را مورد تصریح قرار داده است: «دیدگاهی که حاکمیت دولت را محور حقوق بین‌الملل می‌دانست به تدریج جای خود را به دیدگاهی داده که در آن بشریت محوریت دارد.»^{۱۴}

مصونیت دولت یکی از اصول حقوق بین‌الملل عرفی است که به‌موجب آن، دادگاه‌های داخلی یک دولت صلاحیت قضاوت در مورد اقدامات دیگر کشورها را ندارند. مصونیت دولت مانع از رسیدگی به اقدامات یک دولت در دادگاه‌های دولت دیگر می‌گردد و نمایندگان دولت را از دفاع در مورد اقدامات و اعمال حاکمیت آن دولت معاف می‌نماید.^{۱۵}

اصل صلاحیت جهانی به‌منظور جلوگیری از بی‌کیفر ماندن مجرمینی پیش‌بینی شده که اعمال مجرمانه آنها همه جامعه بشری را متأثر ساخته است و هدف این است که چنین بزهکارانی در هیچ نقطه از جهان مأمنی برای مصون ماندن از تعقیب و مجازات نیابند. این اصل می‌خواهد که عدم‌اجرای اصل صلاحیت سرزمینی در محل وقوع جرم را جبران نماید اما در عین حال از تکرار کیفر یک عمل بپرهیزد. به همین جهت، هرچند که همه دولت‌ها به مقابله با این جرایم دعوت شده‌اند اما صلاحیت تعقیب و مجازات مرتکب به‌طور سنتی به دولتی داده شده است که وی در قلمرو آن یافت می‌شود.^{۱۶}

۱۳. همان، ۲۸.

14 . ICTY, The Prosecutor v. Dusko Tadic, Decision on the Defense Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction, I.C.T.Y., 2 October 1995, para. 97, pp. 53-54.

۱۵. محسن عبدالهی و حسین خلف رضایی. «معادله تعارض اصل مصونیت دولت با قواعد امره حقوق بشر»،

مجله حقوق تطبیقی ۲ (۱۳۸۹): ۱۰۳.

۱۶. همان، ۵۵.

اکنون در خصوص تزاخم یا تعارض میان دو قاعده مصونیت دولت و قواعد حقوق بشری با خصلت آمره، بحث‌های علمی زیادی مطرح شده است و در مورد اینکه کدامیک بر دیگری مقدم است و آیا چنین تزاخمی اصولاً متصور است یا خیر، در یک تقسیم‌بندی کلی دو رویکرد وجود دارد:

رویکرد اول که به‌عنوان مبنای استدلال رأی دادگاه یونان در قضیه ویوشا علیه آلمان قرار گرفته است بر دو استدلال مبتنی است: اول، اگر تعهدات حقوق بشری آمره را نقض نماید چنین دولتی به‌طور ضمنی از مصونیت انصراف داده چراکه این اقدام فراتر از اعمال حاکمیتی است که برای انجام آن دارای مصونیت می‌باشد و به دلیل تخطی از اراده جامعه - ملت‌ها چنین رفتاری مشروعیت ندارد؛ دوم، تصویب معاهدات حقوق بشری توسط دولت با تعهد به تأمین وسایل جبران خسارت مؤثر، به‌منزله انصراف ضمنی از مصونیت قضایی می‌باشد. دولت‌هایی که این معاهدات را تصویب می‌نمایند به‌طور خاص با رسیدگی به این‌گونه نقض‌های حقوق بشری موافقت کرده‌اند.^{۱۷}

اما بر اساس رویکرد دوم، در تعارض میان قاعده آمره و مصونیت دولت، چون قاعده آمره به لحاظ سلسله‌مراتبی بالاتر از قاعده مصونیت قرار می‌گیرد، آن را کنار زده و به قربانیان نقض حقوق بشر اجازه می‌دهد دعوی خود را علیه دولت اقامه نمایند. درحقیقت، شناسایی قواعد آمره بر این فرض استوار است که این قواعد از اهمیت بیشتری در مقایسه با سایر قواعد برخوردارند و به همین دلیل در این نظام حقوقی دارای موقعیتی بالاتر از سایر قواعد بوده و بهره‌مند از آثار خاص می‌باشند.^{۱۸} دادگاه عالی ایتالیا در قضیه فرنی علیه آلمان، مبنای استدلال خود را بر اهمیت ماهوی قاعده آمره یعنی حفاظت از ارزش‌ها استوار نمود.^{۱۹} از نظر دادگاه قواعد مصونیت دولت مشابه همه قواعد دیگر حقوق بین‌الملل، می‌بایست به شیوه سیستماتیک و هماهنگ با سایر اصول این سیستم حقوقی تفسیر گردند. دادگاه بر این عقیده است که اعطای مصونیت در موارد نقض‌های حقوق بشر با خصلت آمره، مانعی در راه حفاظت از ارزش‌هایی است که برای کل جامعه بین‌المللی اساسی تلقی می‌شود.^{۲۰}

۱۷. اعظم امینی، «مفهوم مصونیت قضایی دولت‌ها و استثناء نقض حقوق بشر»، حقوق تطبیقی ۲ (۱۳۸۹)،

۱۳۰.

۱۸. امیرحسین رنجبریان، «پویایی حقوق بین‌الملل و پایایی شکنجه»، فصلنامه حقوق ۱ (۱۳۸۷)، ۲۰۸.

۱۹. امینی، پیشین، ۱۳۱.

20. Pasquale De Sena and Frances D. Vittor "State Immunity and Human Rights: the Italian Supreme Court Decision on the Ferrini Case," *European Journal of International Law* 16 (2005): 98.

انتقادی که می‌توان بر این رویکرد وارد نمود این است که هرچند قواعد حقوق بشر و مصونیت دولت به‌طور متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند اما هرکدام بر جنبه‌های متمایز و انحصاری از نظم حقوق بین‌الملل استوار می‌باشند. از یک سو، قواعد حقوق بشر از اجرای قانونی و حقوق بهم‌پیوسته افراد در مقابل دخالت دولت و سوءاستفاده از قدرت حفاظت می‌کند؛ از سوی دیگر، قاعده مصونیت دولت، مقامات دولتی را قادر می‌سازد تا به‌طور مؤثر و سازنده با حفظ اداره منظم روابط بین‌المللی از عهده عملکردهای عمومی‌شان برآیند که این هم می‌تواند نمود حمایتی نظام حقوق بین‌الملل قلمداد شود. از دیدگاه برخی از حقوق دانان، در نظام حقوق بین‌الملل، حقوق فردی دولت‌ها باید رعایت گردد و حقوق فردی نباید قربانی حقوق جمعی شود؛ بنابراین، تئوری سلسله‌مراتب هنجاری باید برای اثبات خود، وجود قاعده آمرای را اثبات نماید که اعطای مصونیت به دولت‌های خارجی را نسبت به نقض‌های حقوق بشری منع می‌نماید؛ اما این تئوری، تاکنون چنین دلیلی را ارائه نکرده است.^{۲۱}

تئوری سلسله‌مراتب برای اولین بار در قضیه *الآدسانی* توسط خواهان مطرح شد؛ اما دادگاه انگلیس و دیوان اروپایی حقوق بشر آن را نپذیرفتند.^{۲۲} در قضیه بوذری هم دادگاه عالی کانادا تأیید نمود که هرچند منع شکنجه یک قاعده آمره می‌باشد اما این قاعده شامل جبران خسارت مدنی که بوذری به‌دنبال آن بود، نمی‌گردد.^{۲۳}

دیوان عالی ایتالیا در قضیه فرنی^{۲۴} مقرر کرد که مصونیت شغلی کارگزاران دولت‌ها در راستای اعمال اختیارات و وظایف رسمی، در قبال ارتکاب جنایات بین‌المللی اعمال نمی‌گردد. در این قضیه دیوان عالی ایتالیا حکم به وجود تعارض هنجاری میان قواعد آمره و قاعده مصونیت دولت نمود و با ملاحظه اینکه قاعده مصونیت دولت، نهادی برآمده از حقوق عرفی است، اولویت و برتری قواعد آمره را جهت تقدم رتبی آن (در سلسله‌مراتب قواعد حقوقی) مورد تأکید قرار داد و اذعان نمود که این قواعد بر تمامی قواعد چه قراردادی و عرفی از جمله

۲۱. امینی، پیشین، ۱۳۲-۱۳۱.

22. Ed Bates, "The AL-Adsani Case, State Immunity and the International Legal Prohibition on Torture," *Human Rights Law Review* 3 (2003): 123-127.

23. Novogrodsky Noah Benjamin, "Immunity for Torture: Lessons from Bouzari v. Iran," *European Journal of International Law* 18 (2008): 942.

۲۴. فرینی فردی ایتالیایی بود که توسط نیروهای مسلح آلمان در زمان اشغال ایتالیا (۱۹۴۵-۱۹۴۴) به ترتیب در ایتالیا و آلمان وادار به کار اجباری شد. وی برای زبان‌های مادی ناشی از تبعید و کار اجباری، تقاضای خسارت کرد. هردو دادگاه (بدوی و تجدیدنظر) این خواسته را به‌جهت فقدان صلاحیت محاکم ایتالیا بر آنچه رفتار آلمان به‌عنوان «جلوه اعمال حاکمیت» دانسته می‌شد، رد کردند.

راجع به مصونیت تفوق دارند، در نتیجه، شناسایی مصونیت برای اقدام دولت‌ها در نقض جدی حقوق بشر، در تعارض آشکار با تفسیری نظام‌مند از نظم حقوقی بین‌المللی قرار می‌گیرد.^{۲۵} پیش از آن در دیوان عالی یونان نیز در دعوی ویوتیا علیه آلمان، راجع به مسئولیت آلمان در قبال اعمال وحشیانه نازی‌ها در دوره اشغال یونان (یعنی کشور مقرر دادگاه) طی جنگ دوم جهانی، تصمیمی مشابه صادر گردید و با این استدلال که اعمال موردنظر نقض قواعد آمره‌اند، حکم به عدم مصونیت آلمان داده شد.^{۲۶}

در قضیه بوذری علیه دولت ایران نیز خواهان به‌طور خاص در استدلال خود به دو مسئله استناد جست: نخست آنکه دولت کانادا به‌عنوان یکی از امضاءکنندگان کنوانسیون منع شکنجه متعهد به فراهم آوردن امکان دسترسی به خسارت مدنی برای زین‌دیدگان فعل شکنجه ولو علیه اقدام دولت‌های خارجی در قلمرو سرزمینی کاناداست و دیگر آنکه منع شکنجه به‌عنوان قاعده‌ای آمره بر تمامی قواعد عرفی حقوق بین‌الملل از جمله مصونیت برتری دارد.^{۲۷}

در ایالات متحده آمریکا، قانون مصونیت حکام خارجی در سال ۱۹۷۶ به‌عنوان مبنای رسیدگی به دعوی مطروحه علیه دولت‌های خارجی تصویب شد و مصونیت قضایی دولت‌های خارجی از محاکم ایالات متحده - بجز چند استثناء - را مورد شناسایی قرار داد.^{۲۸} در اصلاحیه ۱۹۹۶ که از رهگذر تصویب قانون ضد تروریسم و مجازات مؤثر اعدام صورت پذیرفت، استثنای جدیدی بر مصونیت دولت‌های خارجی که از سوی وزارت خارجه ایالات متحده به‌عنوان دولت حامی تروریسم شناخته شده‌اند، وارد گردید.^{۲۹} به‌موجب این اصلاحیه، به محاکم فدرال برای رسیدگی به دعوی اتباع آمریکایی برای جبران خسارات مالی ناشی از شبه‌جرم‌های فراسرزمینی شامل شکنجه، خرابکاری در هواپیما، گروگان‌گیری و قتل فراقضایی، صلاحیت اعطاء شده است. به دنبال این اصلاحیه که مبنای آن، برتری قواعد آمره حقوق بشر بر قواعد عرفی مصونیت است - نزدیک به هفتاد رأی علیه دولت‌های ایران،

25. Ferrini v. Republica Federale di Germania, Corte di Cassazione (11 March 2004), No. 5044, Para. 9.1 and 9.2. at: <<http://www.haguejusticeportal.net/eCache/DEF/7/963.html>>, English translation: International Law Reports, Vol. 128, p. 659.

۲۶. عبداللهی، «معادله تعارض اصل مصونیت دولت با قواعد آمره حقوق بشر»، پیشین، ۱۰۸.

27. Bouzari v. Islamic Republic of Iran, Ontario Superior Court of Justice, 1 May 2002, O.J. No. 1624, para. 35. at: <<http://www.cci.j.ca/uploads/Bouzari-Superior%20Court%20of%20Justice.pdf>> (Accessed 12 July 2013).

28. Foreign Sovereign Immunities Act 1976 (FSIA).

29. Anti-Terrorism and Effective Death Penalty Act of 1996 (AEDPA).

کوبا، لیبی، سوریه و عراق صادر شده است.^{۳۰} در تحلیل مبانی احکام فوق، این ادعا تأمل‌برانگیز است: پذیرش مصونیت دولت خارجی برای نقض‌های فاحش قواعد آمره حقوق بشر، در حکم شناسایی نقض این قواعد به‌عنوان وضعیتی قانونی است. باین‌حال، این استنباط ناشی از نادیده انگاشتن تفکیک بدیهی میان قواعد شکلی ماهوی است، همان‌گونه که عدم‌موافقت دادگاه با صدور قرار تأمین به نفع خواهان، به‌معنای محکومیت وی یا رد دعوا و عدم‌استماع دعوا در ماهیت قلمداد نمی‌شود، مصونیت دولت نیز به‌معنای عدم‌مسئولیت نیست.^{۳۱}

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه یروودیا، میان مصونیت و مسئولیت رابطه‌ای متناقض نیافت و بیان داشت که نظام حقوقی مصونیت، ماهیتی شکلی دارد و مانع از رسیدگی برای مدت زمانی خاص و یا تخلفات خاصی بوده و فرد را از مسئولیت کیفری شخصی مبرا نمی‌سازد.^{۳۲} نقطه عطف استدلال دیوان در این رأی، تفکیک قائل شدن بین دو مفهوم مصونیت و مجازات‌ناپذیری یا بی‌کیفری است. دیوان، مصونیت را امری شکلی تلقی می‌کند که باعث می‌گردد فردی در دادگاه‌های کشور دیگر، قابل تعقیب نباشد؛ درحالی‌که به عقیده دیوان، بی‌کیفری یا مجازات‌ناپذیری، مسئله‌ای ماهوی است. مصونیت از صلاحیت کیفری و مسئولیت کیفری فردی، مفاهیمی کاملاً مجزا می‌باشند. مصونیت از صلاحیت ممکن است مانع تعقیب برای مدت زمانی خاص یا جرایمی خاص باشد ولی نمی‌تواند فردی را که از آن برخوردار می‌باشد، از کلیه مسئولیت‌های کیفری معاف سازد.^{۳۳}

۳۰. برای مطالعه بیشتر می‌توانید رجوع کنید به: محسن عبدالهی و زوبین نصیری محلاتی، «گزارشی از آخرین تحولات نقض مصونیت ایران در دادگاه‌های ایالات‌متحده»، *سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی* ۳ (۱۳۸۶)، ۲۸۳-۲۷۵.

۳۱. عبدالهی، «معادله تعارض اصل مصونیت دولت با قواعد آمره حقوق بشر»، پیشین، ۱۰۹-۱۰۸.

۳۲. دیوان در قضیه یروودیا اذعان نمود که با بررسی دقیق رویه دولت‌ها و ازجمله قوانین ملی و چند رأی دادگاه‌های عالی داخلی، نتوانست به این نتیجه برسد که بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، استثنائی بر مصونیت از صلاحیت کیفری و غیرقابل‌تعرض بودن وزرای خارجه در مسند وزارت، درمواردی که متهم به ارتکاب جنایات جنگی یا جنایات علیه بشریت می‌باشند، وجود دارد. اگرچه کنوانسیون‌های بین‌المللی متعدد درمورد جلوگیری و مجازات برخی جنایات شدید، تعهداتی را بر دولت‌ها مبنی بر تعقیب قضایی یا استرداد تحمیل می‌کنند، اما این توسیع صلاحیت به‌هیچ‌وجه بر مصونیت حقوق بین‌الملل عرفی ازجمله مصونیت وزرای امور خارجه تأثیر نمی‌گذارد.
نک:

ICJ Case Concerning the Arrest Warrant of 11 April 2000, (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), I.C.J. Reports, 14 February 2002, Paras. 58-59.

33. Ibid., para. 60.

در دعوی جونز علیه عربستان سعودی، مجلس اعیان انگلیس نیز با استناد به استدلال دیوان بین‌المللی دادگستری مبنی بر آنکه نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل شرط کافی برای ایجاد و احراز صلاحیت نیست و اینکه قواعد آمره، قواعدی ماهوی بوده و نمی‌تواند بر مصونیت - که قاعده‌ای شکلی است - تأثیری داشته باشد، حکم به مصونیت پادشاهی عربستان در قبال اتهام شکنجه نمود و اعلام داشت، قواعد آمره، به‌خودی‌خود باعث نادیده انگاشتن سایر قواعد حقوق بین‌الملل نیست.^{۳۴} دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در دعوی ال‌آدسانی علیه بریتانیا مقرر کرد که اعطای مصونیت فارغ از توصیف حقی ماهوی، حائل و مانعی شکلی بر صلاحیت و اختیار دادگاه ملی در ارزیابی دعوا می‌باشد.^{۳۵}

نتیجه

نقض شدید حقوق بشر افراد و جنایات ارتكابی در چند دهه اخیر، باعث گردیده است که دولت‌ها آمادگی بیشتری برای تحدید قلمرو گسترده مصونیت مطلق مقامات عالی‌رتبه جنایتکار و ناقض خود پیدا کنند و بخشی از حق حاکمیت خود را به یک محکمه کیفری بین‌المللی اعطاء نمایند، به این امید که این روند باعث به کیفر رساندن جنایتکاران بین‌المللی گشته و از ارتكاب جنایات دیگر در آینده توسط جنایتکاران بالقوه که لاجرم موجب به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی و در نتیجه مخدوش نمودن منافع عمومی جامعه خواهد شد، جلوگیری نماید.

با تقویت و نهادینه شدن حقوق بین‌الملل بشر در دهه‌های اخیر و شکل‌گیری قواعد آمره - که به‌عنوان قواعد تخلف‌ناپذیر از سوی جامعه بین‌المللی، در کل به رسمیت شناخته شده است - و نیز تعهدات عام‌الشمول - که متضمن حفظ منافع جامعه می‌باشد - در عرصه حقوق بین‌الملل، به تدریج تأمین منافع جامعه، ضرورت تحدید منافع فردی دولت‌ها و حاکمیت مطلق آنها را ایجاب نموده است و به همین دلیل گفتمان کیفری کردن نقض‌های فاحش حقوق بشر همگانی شد. از این رو، شاهد آن هستیم که به‌رغم تکمیلی بودن صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، حتی در مورد دولت‌های غیرعضو اساسنامه نیز، در صورت ارجاع از سوی شورای

34. Jones (Respondent) v. Ministry of Interior Al-Mamlaka Al-Arabiya AS Saudiya (the Kingdom of Saudi Arabia), house of Lords, [2006] UKHL 26, Para. 24, p.16, at: <<http://www.publications.parliament.uk/pa/ld200506/ldjudgmt/jd060614/jones.pdf>> (Accessed 15 April 2014).

۳۵. عبدالهی، «معادله تعارض اصل مصونیت دولت با قواعد آمره حقوق بشر»، پیشین، ۱۱۱.

امنیت، دیوان همچنان صلاحیت رسیدگی به جنایات ارتكابی توسط مأموران و مقامات دولت‌ها را دارد و اینها همه می‌تواند حاکی از اولویت داشتن منافع عمومی جامعه بر منافع فردی دولت‌ها در عرصه حقوق بین‌الملل کیفری معاصر باشد.

به‌رغم توسعه و تحول حقوق بین‌الملل، به‌نظر می‌رسد با نگاهی واقع‌بینانه باید اذعان نمود که جامعه جهانی هنوز برای تغییر و دگرگونی کامل نظم حقوقی حاکم (نظام حقوق بین‌الملل) آماده نمی‌باشد و حفظ حاکمیت دولتی همچنان یکی از اهداف اساسی این نظام می‌باشد. پس ظهور و حمایت از منافع جامعه باید با توجه به این واقعیات مورد توجه قرار گیرد به‌طور نمونه، در زمینه مبارزه علیه بی‌کیفر ماندن جرایم بین‌المللی با شناسایی صلاحیت جهانی و تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، محدودیت‌هایی بر حاکمیت دولت‌ها تحمیل شده است که استثنائاتی بر مصونیت دولت‌ها قلمداد می‌گردد. البته مصونیت همچنان به‌عنوان اصل مطرح می‌باشد و فقط در صورت وجود شرایط خاص (مانند اعمال صلاحیت جهانی توسط دولت سرزمینی یا تکمیلی بودن صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری) می‌توان آن را نادیده گرفت. در رابطه نقض مصونیت دولت‌ها در قبال نقض قواعد آمره - که در رأس سلسله‌مراتب هنجاری در حال شکل‌گیری در عرصه حقوق بین‌الملل قرار دارد - به‌رغم طرح دیدگاه‌های مختلف در رویه قضایی بین‌المللی و رویه اخیر برخی از دادگاه‌های ملی، به‌نظر می‌رسد همچنان اولویت و تقدم از آن منافع فردی دولت‌هاست و در بستر کنونی حقوق بین‌الملل، نمی‌توان با استناد به منافع جامعه این اصل را مخدوش نمود، هرچند که طرح ایده‌ها و نظریات مختلف در بستر زمان، خواهد توانست زمینه توسعه و تحول حقوق بین‌الملل در آینده را فراهم نماید.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

امینی، اعظم. «مفهوم مصونیت قضایی دولت‌ها و استثناء نقض حقوق بشر». حقوق تطبیقی ۲ (۱۳۸۹): ۱۱۹-۱۳۸.

بابایی، محمدعلی. «جهانی شدن جرم: ضرورتی پیش روی مطالعات و تحقیقات جرم‌شناسی». آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم رضوی دوره جدید، شماره ۱ (۱۳۹۰): ۱۱۵-۱۳۶.

خالقی، علی. «مقدمه‌ای بر مطالعه اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل». مجله پژوهش‌های حقوقی ۲ (۱۳۸۱): ۳۵-۵۷.

خیری، کابک و صفی‌ناز جدلی. «صلاحیت جهانی و کارایی مبارزه و پیگیری جرایم بین‌المللی». راهبرد ۵۵ (۱۳۸۹): ۹۸-۱۲۱.

رضوی‌فرد، بهزاد. «کیفیات مشدده در فرایند کیفردهی جنایات بین‌المللی». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری ۶ (۱۳۹۳): ۶۹-۸۹.

رنجبریان، امیرحسین. «پویایی حقوق بین‌الملل و پایایی شکنجه». فصلنامه حقوق ۱ (۱۳۸۷): ۲۴۸-۲۰۵.

رنجبریان، امیرحسین. «قانون ۱۹۹۹-۱۹۹۳ بلژیک، رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی دادگستری، صلاحیت کیفری جهانی در بوته آزمون». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۵۸ (۱۳۸۱): ۱۶۶-۱۲۷.

عبداللهی، محسن و حسین خلف رضایی. «معادله تعارض اصل مصونیت دولت با قواعد امره حقوق بشر». مجله حقوق تطبیقی ۲ (۱۳۸۹): ۱۰۱-۱۱۸.

عبداللهی، محسن و زوبین نصیری محلاتی. «گزارشی از آخرین تحولات نقض مصونیت ایران در دادگاه‌های ایالات متحده». سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی ۳ (۱۳۸۶): ۹۶-۶۷.

فروغی، فضل‌الله. «منشأ و ماهیت حقوقی اصل صلاحیت جهانی». مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز ۳ (۱۳۸۸): ۴۷-۲۱.

فروغی، فضل‌الله. «موانع و محدودیت‌های تعقیب داخلی جرایم بین‌المللی». مجله مطالعات حقوقی ۲ (۱۳۸۹): ۱۶۴-۱۲۹.

ب) منابع انگلیسی

Amensty International, Principle 2 of 14 Principles on Effective Exercise of Universal Jurisdiction.

Anti-Terrorism and Effective Death Penalty Act of 1996 (AEDPA).

Bates, Ed. "The AL-Adsani Case, State Immunity and the International Legal Prohibition on Torture." *Human Rights Law Review* 3 (2003): 193-224.

Benjamin, Novogrodsky Noah. "Immunity for Torture: Lessons from Bouzari V Iran." *European Journal of International Law* 18, 5 (2008): 939-953.

Bouzari v. Islamic Republic of Iran, Ontario Superior Court of Justice, 1 May 2002, O.J. No. 1624, para. 35. at: < <http://www.cciij.ca/uploads/Bouzari-Superior%20Court%20of%20Justice.pdf>> (Accessed 12 July 2013).

Cassese, Antonio. "Immunity for Core Crimes? The ICJ's Judgment in the Congo v. Belgium Case." *European Journal of International Law* 13, 4 (2002):560-575.

Cassese, Antonio. "When May Senior State Officials be Tried for International Crimes? Some Comments on the Congo v. Belgium." *EJIL* 13 (2002): 553-575.

De Sena, Pasquale, and Frances De Vittor. "State Immunity and Human Rights: The Italian Supreme Court Decision on the Ferrini Case." *European Journal of International Law* 16 (2005):269-277.

Ferrini v. Repubblica Federale di Germania, Corte di Cassazione (11 March 2004), No. 5044, Para. 9.1 and 9.2. at: <<http://www.haguejusticeportal.net/eCache/DEF/7/963.html>>, English Translation: International Law Reports, Vol. 128, p. 659.

Foreign Sovereign Immunities Act 1976 (FSIA).

ICJ Case, Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), Judgment [2002] ICJ Rep. 3.

ICJ Case, Arrest Warrant of 11 April 2000, Joint Separate Opinion of Judges Higgins, Koopmans and Buergenthal.

ICJ Case, Concerning the Arrest Warrant of 11 April 2000, (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), I.C.J. Reports, 14 February 2002.

ICJ Case, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion [1996] ICJ Rep 226.

ICTY, The Prosecutor v. Dusko Tadic, Decision on the Defense Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction, I.C.T.Y., 2 October 1995.

Jones (Respondent) v. Ministry of Interior Al-Mamlaka Al-Arabiya AS Saudiya (the Kingdom of Saudi Arabia), house of Lords, [2006] UKHL 26.

Kleffner, Jann. "The Impact of Complementarity on National and International Criminal Law." *JICJ* 1 (2003): 103-120.

Muttukumaru C. "Representative of the UK at the Rome Conference's Working Group on Procedural Matters." The British Institute of International and Comparative Law, Seminar on the ICC, London, October 31, 1998.

Triffer, Otto (ed). *Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court*. London: C.H. Beck Hart, 2008.

UN GA Res 60/1 of 16 Sept. 2005 (2005 World Summit Outcome).

Villalpando, Santiago. "The Legal Dimension of the International Community: How Community Interests Are Protected in International Law." *European Journal of International Law* 2 (2010): 387-419.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVIII, No. 2

2019-2

- ◆ **Attorney's Criminal Liability**
Dr. Bizhan Hajiazizi - Seyyedeh Maryam Etemad
- ◆ **Conflict between Public Interests of the Community and the Individual Interest of the States**
Dr. Hoorieh Hosseini Akbarnezhad
- ◆ **Access to Sufficient Food as a Human Right in the Legal System of World Trade Organization**
Dr. Najmeh Razmkhah
- ◆ **A Criticism of Article 137 of Islamic Criminal Law regarding Crime Recidivism**
Azadeh Ghorbani - Arezoo Ghorbani
- ◆ **The Problem-Oriented Policing and Fear of Crime**
Dr. Seyyed Mahdi Seyyedzadeh Sani - Saeed Kermani
- ◆ **The Interaction of Territorial Integrity with Rights and Legitimate Freedoms under Domestic and International Law**
Dr. Hedieh Sadat Mirtorabi - Dr. Sobhan Tayebi
- ◆ **Reduction Process of Capital of Corporation in Iran and UK Laws**
Hamid Shali
- ◆ **Legal Analysis of Mobile Number Portability in Iran, in the Light of Comparative Studies**
Seyyed Hashem Maddah Hosseini - Rajab Fallahi - Sara Mortezagholi
- ◆ **Effects of the Disclaimer or Limitation of Liability Clauses in Iranian Law with a Review in the English Legal System**
Dr. Hojjat Mobayen - Amin Amirhosseini
- ◆ **The Mechanisms for Protecting the Right to Use the Mother Tongue in International and National Institutions**
Dr. Seyyed Ghasem Zamani - Farhad Abedini Saadabad
- ◆ **The Privilege against Self-Incrimination in International Courts**
Alireza Gharaghani

